

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: ش. حمید

۸ اپریل ۲۰۱۴

شعر از "پاغر"

به لاله،

که قوغ دلش

خونین تر

از شعر من است!!!

## شعرهای مقاومت

از دفتر "دستی در آتش"

(سی)

## خون شهری

در شهر تو که نام او فرخنده باد، حیف  
بر پای صبح رنگ دلاویزی تنش  
در انتهای روز تب آلود شب تبار  
صد کاروان یأس بر آژنگ او قطار  
سیمای ناقرار او بر پشت موج درد  
چشمان لحظه خیره در آن شام پرسکوت  
یک مشت استخوان که میسوخت بی صدا  
تندر بر آسمان روانش شراره خیز  
آن سو ترک به زیر چنار ستبر و پیر  
خیل عبوس برزخیان آرمیده بود  
آماج خنج رینه دردا تنیده بود  
پیری به گدیه بر سر راهی نشسته بود  
فریاد در گلوی او در خون شکسته بود  
زهری که روزگار به کامش چکانده بود  
گوئی شبی به زیر کلاهی خمانده بود  
خشکیده زندگی ز فرازی همی چکید  
باران مرگ بر تنش آرام میچکید  
شاعر! چو جوش خمره بی خود لمیده بود

تا قابِ بی براق غزل مستِ واژه ها      تبخالِ عشق دامن او را دریده بود  
چون قوی پر سپید که لغزد به روی آب      مستانه از کویرِ حوادث همی رمید  
در گوشهٔ یگانهٔ بی سوز و بی گداز      بر بوسه های زردِ خیالش همی خمید  
بردم قلم به شعر که تا رشحه خون شهر      دردا گلوی شعر در آن جا بریده بود

قلم به پای نازِ خیال و صور شکست

دیدم شکسته آن چه دریغا سپیده بود

(میزان ۱۳۷۳)